

احكام مساقات

احكام مُساقات

مسألة ۲۲۳۸. اگر انسان با کسی به این قسم معامله کند که درختهای میوه ای را که درختها یا منافع آن مال خود اوست و یا اختیار آن با اوست تا مدت معینی به آن کس واگذار کند که تربیت نماید و آب دهد و به مقداری که قرار می گذارند از میوه آن بردارد این معامله را مُساقات می گویند.

مسألة ۲۲۳۹. معامله مُساقات در درختهایی که مثل بید و چنار میوه نمی دهد صحیح نیست ولی در مثل درخت حنا که از برگ آن استفاده می کنند یا درختی که از گل آن استفاده می کنند اشکال ندارد.

مسألة ۲۲۴۰. در معامله مُساقات لازم نیست صیغه بخوانند بلکه اگر صاحب درخت به قصد مُساقات آن را واگذار کند و کسی که کار می کند به همین قصد تحویل بگیرد معامله صحیح است.

مسألة ۲۲۴۱. مالک و کسی که تربیت درختها را به عهده می گیرد باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید حاکم شرع آنان را از تصرف در مال خوشان منع نکرده باشد بلکه اگر در حال بالغ شدن سفیه باشند اگرچه حاکم شرع منع نکرده باشد معامله ایشان صحیح نیست.

مسألة ۲۲۴۲. مدت مُساقات باید معلوم باشد و اگر اول آن را معین کنند و آخر آن را موقعی قرار دهند که میوه آن سال به دست می آید صحیح است.

مسألة ۲۲۴۳. باید سهم هر کدام نصف یا ثلث حاصل و مانند اینها باشد و اگر قرار بگذارند که مثلاً صد من از میوه ها مال مالک و بقیه مال کسی باشد که کار می کند ، معامله باطل است.

مسألة ۲۲۴۴. باید قرار معامله مُساقات را پیش از ظاهر شدن میوه بگذارند و اگر بعد از ظاهر شدن میوه و پیش از رسیدن آن قرار بگذارند پس اگر کاری مانند آبیاری یا کار دیگر که برای زیاد شدن میوه یا خوب شدن آن لازم است باقی مانده باشد معامله صحیح است وگرنه اشکال دارد اگرچه احتیاج به کاری مانند چیدن میوه و نگهداری آن داشته باشد.

مسألة ۲۲۴۵. معامله مُساقات در بوته خربزه و خیار و مانند اینها صحیح نیست.

مسألة ۲۲۴۶. درختی که از آب باران یا رطوبت زمین استفاده می کند و به آبیاری احتیاج ندارد اگر به کارهای دیگر مانند بیل زدن و کود دادن محتاج باشد معامله مُساقات در آن صحیح است ولی چنانچه آن کارها در زیاد شدن یا خوب شدن میوه اثری نداشته باشد معامله مُساقات اشکال دارد.

مسألة ۲۲۴۷. دو نفری که مُساقات کرده اند با رضایت یکدیگر می توانند معامله را به هم بزنند و نیز اگر در ضمن خواندن صیغه مُساقات شرط کنند که هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را داشته باشند مطابق قراری که گذاشته اند به هم زدن معامله اشکال ندارد. بلکه اگر در معامله شرطی کنند و عملی نشود کسی که برای نفع او شرط کرده اند، می تواند معامله را به هم بزند.

مسألة ۲۲۴۸. اگر مالک بمیرد معامله مُساقات به هم نمی خورد و ورثه اش به جای او هستند.

مسألة ۲۲۴۹. اگر کسی که تربیت درختها به او واگذار شده بمیرد چنانچه در عقد شرط نکرده باشند که خودش آنها را تربیت کند ورثه اش به جای او هستند و چنانچه خودشان عمل را انجام ندهند و اجیر هم نگیرند حاکم شرع از مال میّت اجیر می گیرد و حاصل را بین ورثه میّت و مالک قسمت می کند و اگر شرط کرده باشند که خود او درختها را تربیت نماید پس اگر قرار گذاشته اند که به دیگری واگذار نکند با مردن او معامله به هم می خورد و اگر قرار نگذاشته اند مالک می تواند عقد را به هم بزند یا راضی شود که ورثه او یا کسی که آنها اجیرش می کنند

درختها را تربیت نماید.

مسألة ۲۲۵۰. اگر شرط کند که تمام حاصل برای مالک باشد مُساقات باطل است و میوه مال مالک می باشد و کسی که کار می کند نمی تواند مطالبه اجرت نماید ولی اگر باطل بودن مُساقات به جهت دیگر باشد مالک باید مزد آبیاری و کارهای دیگر را به مقدار معمول به کسی که درختها را تربیت کرده بدهد.

مسألة ۲۲۵۱. اگر زمینی را به دیگری واگذار کند که در آن درخت بکار و آنچه عمل می آید مال هر دو باشد، معامله باطل است. پس اگر درختها مال صاحب زمین بوده، بعد از تربیت هم مال او است و باید مزد کسی که آنها را تربیت کرده بدهد و اگر مال کسی بوده که آنها را تربیت کرده، بعد از تربیت هم مال او است و می تواند آنها را بکند، ولی باید گودال هایی را که به واسطه کندن درختها پیدا شده پر کند و اجاره زمین را از روزی که درختها را کاشته به صاحب زمین بدهد و مالک هم می تواند او را مجبور نماید که درختها را بکند و اگر به واسطه کندن درخت عیبی در آن پیدا شود، باید تفاوت قیمت آن را به صاحب درخت بدهد و نمی تواند او را مجبور کند که با اجاره یا بدون اجاره درخت را در زمین باقی بگذارد.